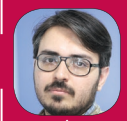


تماشای تهران از لابه‌لای خطوط کتاب‌ها و کلمات آنها تجربه‌ای متفاوت است

داستان‌شهر



حسام آبنوس

دبیر قفسه

شهر تهران برای بسیاری پایتخت اداری و سیاسی کشور است؛ ولی اگر از زاویه‌ای دیگر نگاه کنیم این شهر پر از قصه است، قصه‌هایی که برخی از آنها با غصه همنشین است و برخی دیگر مانند سیب‌گلاب‌های شمیران شکرپاره است. در هر صورت باید در تهران نفس کشیده باشید تا این شهر برایتان فراتر از یک مرکز تجمع ادارات و امکانات باشد. البته که این هم بخشی از خصوصیت و خصلت این شهر است. باستان‌شناسان شواهدی مبنی بر دیرینه ۷۰۰۰ ساله این شهر یافته‌اند و اگرچه سابقه دیوانی این شهر کمتر از ۲۰۰ سال است، اما سابقه زندگی در آن به عصر نوسنگی بازمی‌گردد.

شهری که شاهد اتفاقات بسیاری بوده و انسان‌های مختلفی به خود دیده است. از صدراعظم امیرکبیر تا امام خمینی (ره) که هرکدام از این شخصیت‌ها از گوشه و کنار این کشور برخاسته و در این شهر روزگار گذرانده‌اند. شخصیت‌های مختلفی از جهان سیاست از استالین، چرچیل و روزولت گرفته تا حافظ اسد، هوگو چاوز و ماندلا پا روی خاک این شهر گذاشته و چند روزی مهمان این شهر و مردمانش بوده‌اند. از نیل آرمسترانگ، اولین فضانوردی که پا روی سطح ماه گذاشت تا ستاره‌های سینما و فوتبال در جهان که ورودشان به این شهر مایه جنب و جوش در میان شهروندان شد. شهری که دوره‌ای بالاله‌زار شهرت داشت و روزی با دارالفنون، تکیه دولت و شمس‌العماره و شاید بشود گفت امروز با شبکه بزرگراهی و خیابان‌هایش شهرت داشته باشد.

حالا ما از پس یک تجربه بیش از ۱۵۰ ساله در این شهر زیست می‌کنیم یا شاهد زیستن دیگران در آن هستیم. زیستی که اقتضائات خود را دارد و طبیعتاً اگر با آن اقتضائات کنار نیاییم، نمی‌توانیم در این شهر دوام بیاوریم. این شهر با تمام این ظرفیت‌ها بازتابی هم در ادبیات داستانی داشته و گوشه و کنارش ولو به شکلی سطحی در داستان‌ها بازتاب یافته است.

البته داستان‌های بسیاری این شهر را روایت کرده‌اند و البته طبیعی است که برخی در این بازتابی موفق‌تر باشند و البته طبیعی است که تهران در ادبیات داستانی هم پایتخت باشد و بیشتر کتاب‌ها اتفاقات‌شان در این شهر روی دهد. در این گزارش با تقسیم کردن تهران به سه دوره تاریخی چند کتاب که در آنها شهر تهران از لابه‌لای کلمات خود را نشان می‌دهد را مرور کرده‌ایم.

تهران قاجار

تهران در روزگار قاجار با تهران امروز تفاوت‌های زیادی داشته، این شهر به تازگی به عنوان پایتخت انتخاب شده بود و با چیزی که امروز با آن مواجهیم اختلاف زیادی داشته است. داستان‌هایی که در روزگار قاجار می‌گذرد هرچند که خیلی زیاد نیست و اگر هم هست به صورت محدود به شهر پرداخته و تنها به نشانه‌های مشهور آن روزگار اشاره کرده، ولی در داستان‌هایی نیز این شهر به خوبی دیده می‌شود و نویسندگان به روایت توریستی از شهر بسنده نکرده‌اند و برای شهر هویتی مستقل در نظر گرفته و از نمادهای مشهور شهر تهران در روزگار قاجار فراتر رفته‌اند.

شهر در تب و تاب مشروطه

محمدرضاشرقی خوششان در زمان تحسین شده‌اش با عنوان «بی‌کتابی» تصویری از شهر تهران در روزهای مشروطه را به نمایش در آورده و قصه‌اش را در کوچه پس‌کوچه‌های تهران ساخته است. قصه درباره یک سرقت از کتابخانه سلطنتی است، ولی از آنجا که این اتفاق در تهران عصر قاجار روی می‌دهد

مخاطب در کنار داستان با اتفاقات در شهر که بیشتر به روستا شباهت دارد تا پایتخت یک کشور با تمدن چند هزارساله گشتی می‌زند و اتفاقات را در دل این شهر می‌بیند. «یوم‌التوب» را در تاریخ به روزی گویند که آن سرهنگ روسی مجلس را به توپ بست و خون بسیاری را ریخت و این داستان هم بخشی از آن در این روز می‌گذرد و خواننده مسجد و مدرسه سپهسالار و مجلس و میدان بهارستان را با قلم درخشان نویسنده به تماشای می‌نشیند.

تکیه‌ای که نیست

«شب‌های حرم‌خانه» مریم بصیری از کتاب‌هایی است که حشش ادا نشده، نویسنده با محوریت تعزیه که همین یکی از نمادهای شهر تهران است تلاش می‌کند قصه بگوید. او در دل قصه‌اش که قرار است گروهی زنانه برای زنان دربار ناصرالدین شاه قاجار تعزیه اجرا کنند رفت و برگشت‌های بسیاری به شهر انجام می‌دهد. از دالان‌های بازار تهران به کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر می‌رود و منزل بزرگان دربار رفت‌وآمد می‌کند. خواننده در کتاب در لابه‌لای قصه بارها شهر را به تماشای می‌نشیند و با کالسکه از درون کاخ گلستان خارج می‌شود و به گوشه و کنار سرک می‌کشد. تکیه دولت، که امروز جز نام و چند نقاشی که مشهورترین آن اثر مرحوم کمال‌الملک است چیزی از آن باقی نمانده، در این داستان عینی و ملموس توصیف می‌شود و خواننده خود را در این بنای عظیم روزگار ناصری می‌بیند. محلی که از شاه تا رعیت همه برای تماشای تعزیه گرد می‌آمدند تا تعزیه‌خوانان برایشان مرثیه ساز کنند.

این رمان تلاش کرده تا شهر را به تصویر بکشد و تنها به نام‌ها اکتفا نکند.

ترور در روز روشن

رضا جولایی با رمان‌های تاریخی‌اش حالا شهرتی دارد که البته در برخی موفق نبوده است، ولی در مجموع او از طریق رمان تاریخی با مخاطبش می‌کند و تا حدودی نیز توانسته توجه مخاطب را به خود و آثارش جلب کند. «سوء قصد به ذات همایونی» جولایی توانسته موفق ظاهر شود. ترور را هنرمندانه بازگو می‌کند و البته برای این که صحنه و اتفاقات روایت کند شهر را به دقت و با جزئیاتی باورنکردنی ترسیم می‌کند. ترور محمدعلی شاه قاجار در این رمان دستمایه‌ای است برای قصه گفتی با ظرافتی مثال‌زدنی از پس این کار برآمده است. تهرانی که جولایی رمان نشان می‌دهد جزئیاتی دارد که هر خواننده‌ای را به خود جذب

زیر پوست شهر

«دروازه مردگان» یک رمان نوجوان است، ولی باید توضیح داد که این نوجوان‌هایی است که بزرگ‌ترها را گیر می‌اندازد. شخصیت‌های این تعدادی نوجوان هستند که در خانه‌ای در تهران روزگار قاجار می‌گذرانند

کردن برای زنده ماندن هستند. محله‌ای پست‌وپس‌له‌های بازار تهران محور این داستان است. قهوه‌خانه‌های قدیمی شخصیت‌های مختلف خواننده را کنج که کتاب را دست بگیرد و برود محل پیدا کند، ولی این توانایی حمیدرضا برای واقع‌نمایی است که توانسته قمر شرایطی پیش‌بردد که خواننده حس می‌خواند دنبال سرنخ حقیقت در داستان این رمان و گشت و گذارهای شخصیت آن در سطح شهر به‌قدری جذاب و خواننده حس می‌کند در این شهر زیست نفس کشیده است.

